

The Effect of Cultural Components on the formation of the vernacular architecture of Kurdistan of Iran

Siamand Panahi¹, Masoud Yousefi Tazakor^{*2}, Masoomeh Yaghoobi Sangherchi³

¹ Department of Architecture, Islamic Azad University, Ardabil, Iran (PhD student)

² Department of Architecture, Islamic Azad University, Ardabil, Iran (professor assistance)

³ Department of Architecture, Islamic Azad University, Ardabil, Iran ((professor assistance)

KEYWORDS

Received: 08 September 2025
Revised: 29 September 2025
Accepted: 04 October 2025
Available Online: 10 December 2025

Article type: Research Paper
DOI:
<https://doi.org/10.82394/sbea.2025.1217364>

ABSTRACT

If it has the components of tradition, a local phenomenon or event can also be called traditional, but traditional events are not necessarily local. Any geographical area can be the context of its own local events throughout history. Any event that occurs in a physical and geographical area can be a local event, provided that it occurs due to environmental and local factors of that geography. Anything that happens at a specific time and place and continues over time becomes a tradition, even if it was an innovation at the initial moment of occurrence. The aim of the present study is to determine the extent of the influence of cultural components on the native architecture of the Kurds in Kurdistan, Iran. The method of the present study is descriptive-analytical and exploratory in nature, and the method used for analysis was qualitative and quantitative. The cultural component, as one of the two components with the greatest impact on the local architecture of the region, was analyzed in three macro, medium and micro structures. In each of the categories, physical organization, activity and appearance and landscape were examined. Finally, the cultural components and their main sub-components in the aforementioned spatial organizations were matched with concrete examples in the environment. Most of the analyses were verified by the prevailing discourse of experts on the subject. The final result acknowledges that although many components influence the structure of the vernacular architecture of Kurdistan, culture is considered one of the most important influential components.

KEYWORDS

Vernacular Architecture, Iran architecture, Kurdistan architecture, Kurdistan culture.

* Corresponding author.

E-mail address: m.yousefi56@iau.ardabil.ac.ir



تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی در شکل‌گیری معماری بومی کردستان ایران

سیامند پناهی^۱، مسعود یوسفی تذکر^{۲*}، معصومه یعقوبی سنقرچی^۳

^۱ دانشجوی دکتری معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

2870506724@iau.ir

^۲ استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران.

m.yousefi56@iau.ardabil.ac.ir

^۳ استادیار، گروه معماری، دانشکده فنی و مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل، اردبیل، ایران.

yaghoobi.m.s@gmail.com

چکیده

در صورت داشتن مؤلفه‌های سنت می‌توان یک پدیده یا اتفاق بومی را سنتی نیز نامید ولی لزوماً اتفاقات سنتی بومی نیستند. هر محدوده جغرافیایی می‌تواند بستر وقایع بومی خود در طول تاریخ باشد. هر اتفاقی که در یک محدوده فیزیکی و جغرافیایی رخ می‌دهد می‌تواند یک اتفاق بومی باشد به شرط اینکه توسط عوامل محیطی و محلی آن جغرافیا روی دهد. هر اتفاقی که در زمان و مکان خاص روی دهد و در طول زمان تداوم پیدا کند تبدیل به سنت می‌شود هر چند در لحظه اولیه وقوع یک بدعت و نوآوری بوده باشد. هدف تحقیق حاضر تعیین میزان تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی بر معماری بومی کردها در کرستان ایران می‌باشد. روش تحقیق حاضر از نظر ماهیت توصیفی-تحلیلی و اکتشافی بوده و روش بکار گرفته شده برای تحلیل، کیفی و کمی بوده است. مؤلفه فرهنگ به عنوان یکی از دو مؤلفه با بیشترین اثرگذاری در معماری بومی منطقه در سه ساختار کلان، میانه و خرد مورد تحلیل قرار گرفت. در هر کدام از دسته بندی‌ها سازمان کالبدی، فعالیتی و سیما و منظر بررسی شد. در نهایت مؤلفه‌های فرهنگی و زیر مؤلفه‌های اصلی آن در سازمانهای فضایی یاد شده با مثال‌های عینی موجود در محیط تطبیق داده شدند. بیشتر تحلیل‌ها با گفتمان رایج صاحب نظران موضوع راستی آزمایی شدند. نتیجه نهایی به این مهم اذعان دارد که هرچند مؤلفه‌های زیادی بر ساختار معماری بومی کردستان اثرگذار هستند اما فرهنگ یکی از مهمترین مؤلفه‌های اثرگذار به حساب می‌آید.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۹/۱۹

مقاله علمی پژوهشی

<https://doi.org/10.82394/sbea.2025.1217364>

واژگان کلیدی

معماری بومی، معماری ایران، معماری کردستان، فرهنگ کردستان.

۱- مقدمه:

همان‌طور که هنری گلاسیه نشان می‌دهد، سنت در وابستگی و مغایرت به وسیله تغییر کاسته می‌شود و تحلیل می‌رود ولی در اداره ریشه دارد و در تنوع بدعت شکوفا می‌شود. در ارتباط با کنترل و قدرت، سنت با عنوان خارجی و تحمیلی مقابله می‌کند (شعاریان ستاری و همکاران، ۱۴۰۱). در نهایت ساختمان‌ها از ابعاد انسانی فراتر رفته و فعل و انفعالات اجتماعی را که در میان و در اطراف آن‌ها رخ می‌دهد تداوم می‌بخشند (Asquith, 2006:23). در این راستا پائول اولیور نیز تصدیق می‌کند که در واقع آن‌ها (ساختمان‌ها) دارای نوعی از مقیاس و پیچیدگی هستند که بیش از دیگر محصولات انسانی است، در بسیاری از موارد خواستار سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی از نیروی کار و منابع است (Oliver, 1986:113). در استفاده مدل زبان شناختی بوم، ما شاید سنت را به عنوان بیانی محلی که در اثر استفاده مداوم و طولانی اعتبار یافته، در نظر بگیریم. ساختار سنت به عنوان یک ضرب المثل بیانات حکیمانه یک شخص را بدون نیاز به سابقه طولانی ارائه می‌دهد (تیلور، ۱۹۹۴). مفهوم این گفته مربوط به پذیرش اجتماعی سنت است که ناشی از تکرار و انتقال آن در طول زمان است. فرم‌ها و تکنیک‌های ساخت مورد تایید جامعه که در طول زمان توسط اقوام گوناگون تجربه شده است برای نسلی جایگزین می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. در حقیقت جای بحث دارد که بومی نسبت به سنتی به عنوان صفت برای معماری جذابیت بیشتری یافته است زیرا به بیننده اجازه شناسایی فرهنگ در خلال پایداری شیوه ساخت را می‌دهد بدون اینکه شناخت کاملی از ارتباط انسانی و درگیر شدن با سنت‌های آنها را داشته باشد. بومی اجازه می‌دهد تا مردم به عنوان نماینده محصولاتشان از یکدیگر قابل تفکیک باشند (Asquith, 2006:26).

پس از تحول ایده مدرنیته در حوزه معماری، اغلب کشورهای جهان به دنبال یافتن هویتی برای معماری خود بوده‌اند. هویتی که ریشه در فرهنگ ممالک، اقلیم، بوم و ... دارد. در ایران نیز عدم اطلاع کافی از معماری بومی و فرهنگی برخی از نقاط کشور که ریشه در نابسامانی‌های اشاره شده دارد باعث شد تا تنها معماری بومی مناطق شناسایی شده به عنوان ساختار معماری بومی ایران به رسمیت شناخته شود و در معماری معاصر کل کشور موتیف‌های آن حضور داشته باشد. لذا شناخت و معرفی کلیات در مرحله اول و تحلیل ساختاری و زیرساخت‌های ایجاد آن از ضروریات این پژوهش می‌باشد تا ضمن شناسایی مؤلفه‌های اثر گذار بر ساختار معماری بتواند تداوم معماری بومی و محلی را در قالب یک برنامه بالادستی پیشنهاد بدهد. برای دسته‌بندی آثار هنری سه رویکرد وجود دارد:

۱- بر مبنای دوره‌های تاریخی که عمدتاً در قالب قدرت‌های سیاسی و نظام‌های حاکم بر جامعه تعیین می‌شوند.

۲- بر مبنای محدوده‌های جغرافیایی که عموماً در دوره‌های زمانی مشابه مکان‌های مختلف را دسته‌بندی می‌کنند.

۳- بر مبنای شیوه‌های تفکر مردم که می‌تواند بیشترین عوامل مؤثر را در خود جای دهد.

رویکرد های اول و دوم برای قالب‌های هنر حکومتی یا مقایسه مناطق، کارکرد دارند در این پژوهش به دلیل پرداختن به هنر و معماری غیر حاکمیتی استفاده از این روشها چندان کارایی ندارند. در روش سوم برای مطالعه هنر می‌بایست شیوه تفکر یا سبک موردنظر به صورت کامل شناسایی شده، مؤلفه‌های تشخیصی آن را تبیین و در نهایت تفاوت آن‌ها با اتفاقات و سبک‌های مشابه و نزدیک مشخص شود. به این ترتیب سنجه‌های سبک مشخص شده و محققین و مخاطبین با اطمینان بیشتری می‌توانند موضوعات هنری را در قالب‌های موردنظر بررسی نمایند.

مطالعه کاملی در مورد معماری مناطق کردنشین ایران انجام نشده است. هرچند منابع ارزشمندی همچون گنجنامه به معرفی تعداد اندکی از آثار برجسته این نواحی پرداخته‌اند و محققان تاریخ معماری ایران از جمله اساتید، پیرنیا، یوسف

کیانی، غلامحسین معماریان و ... در کتاب‌های خود برخی تک بناهای شهرهای اصلی کردستان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. پژوهش‌ها و مطالعات روانشناختی، جامعه شناختی و روانشناسی محیطی به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم میلادی رونق گرفت، تا جایی که در نهایت افرادی چون کریستوفر الکساندر نقش اثرات روانی بر ابعاد فضا را پررنگ‌تر و قوی‌تر از ابعاد انسانی دانستند. موضوعی که قطعاً مولفه‌های معماری مدرن را زیر سوال می‌برد. برخی محققان فعال در این زمینه را می‌توان: *ایروین آلتمن، کریستوفر الکساندر، جان لنگ، نوربرگ شولتز، آموس راپاپورت* و ... دانست.

با توجه به کیفی بودن موضوع پژوهش، محدوده مشخصی از کردستان ایران به عنوان مورد مطالعاتی (case study) انتخاب نشده است. علی‌رغم پراکندگی جغرافیایی، توجه به ویژگی‌های فرهنگی عمومی مردم کرد، می‌توان عوامل فرهنگی را تسری داد. لذا محدوده مورد مطالعه نه بخشی از منطقه کردستان که بخش‌هایی از اشتراکات فرهنگی کل کردستان می‌باشد. بهتر می‌بود اشاره‌ای هم به دیگر مناطق کردنشین منطقه می‌شد اما به دلیل محدودیت دسترسی صرفاً در محدوده مرز سیاسی ایران مطالعه انجام گرفته است.

با کردستان ایران، شامل بخش‌هایی از استان آذربایجان غربی و تمام استان‌های کردستان، کرمانشاه و ایلام، یکی از نواحی‌ای بشمار می‌رود که به دلیل موقعیت خاص خود، از لحاظ بافت جغرافیای طبیعی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند مورد توجه پژوهشگر علاقمند قرار بگیرد. همانطور که قبلاً بیان گردید مکتوب نکردن اصول هنر و معماری باعث شده تا آموزش و معرفی راهکارهای اجرایی بصورت سینه به سینه و محلی باقی بماند. هرچند محلی ماندن این هنر از سرعت پیشرفت آن کم می‌کند و عامل اصلی جاماندن از روند تغییرات سریع قرن بیستم میلادی می‌شود اما بومی ماندن و بکر بودن کمک می‌کند تا ساختارهای اجتماعی حاکم بر محیط را بر مبنای معماری و شهرسازی آن مورد شناسایی و ارزیابی قرار داد. همچنین معماری بومی هر منطقه با آنکه در طول تاریخ اقوام متناسب با شرایط دگرگونی‌هایی داشته است اما همواره هویت ویژه‌ی خود را حفظ نموده و همچون گنجینه‌ای در میان اقوام گوناگون به بقای خود ادامه داده است. منطقه کردستان ایران نیز مستثنی از این موضوعات نبوده و در طی سالیان گذشته مورد بی‌لطفی در زمینه‌های مطالعاتی قرار گرفته است. نبود اسناد مکتوب در ارتباط با معماری بومی منطقه در گذشته و عدم پژوهش در این زمینه از سوی متخصصان معماری موجب شده است تا معماری عصر حاضر پاسخ مناسبی برای پرداخت به ارزش‌های فرهنگی و حل و فصل نیازهای بومی-اقلیمی ساکنین این منطقه در حوزه معماری نداشته باشد. لذا پژوهش حاضر در راستای مطالعه و بررسی معماری بومی کردها از دو منظر، فرهنگ به عنوان بعد غیر فیزیکی یا انسانی و اقلیم به عنوان بعد فیزیکی یا محیط زندگی انسان تدوین گردیده و به دنبال پاسخ این پرسش است که: معماری بومی کردستان ایران تابع کدام مولفه‌های شناخته شده محیطی است؟ همچنین میزان اثرگذاری هرکدام از مولفه‌های فیزیکی و غیرفیزیکی بر معماری این سرزمین چقدر است؟

این پژوهش به دلیل ساختار خود فرضیه محور نیست و صرفاً با تکیه به پاسخ‌گویی به پرسش‌های اولیه تحقیق پیش می‌رود. سوالاتی که هرچند در نگاه اول ساده به نظر می‌رسند اما عمق مطالب، محقق را در مورد قدرت پاسخ‌ها به شک می‌اندازد. پیشینه یابی و بررسی مطالعات قبلی در قالب دو جدول به تفکیک در مورد معماری ایران و فرهنگ و معماری کردستان ارائه شده است که در ادامه آورده شده است.

جدول ۱- مطالعات در حوزه معماری و فرهنگ

عنوان	خلاصه موضوع	نویسنده و تاریخ نشر
House, Form, Culture	این کتاب رویکردی تاریخی به طیف گسترده‌ای از خانه‌های بدوی و دهقانی و همچنین نیروهای تاثیرگذار بر آن‌ها دارد.	Amos Rapaport 1969
Environment and Culture	در این کتاب با جمع‌آوری نظریات متعدد، ضمن بررسی رابطه تنگاتنگ فرهنگ و طراحی محیط، بیان می‌دارند که تفاوت‌های فرهنگی باید در اثرات محیطی و الزامات طراحی برای طیف گوناگون مردم در نظر گرفته شود.	Irwin Altman, Amos Rapaport Joachim Wohlwill, 1980
Built to meet needs (cultural issues in vernacular architecture)	در این کتاب نویسنده طی دو دهه اطلاعات زیادی را درباره معماری بومی در نقاط مختلف جهان گردآوری نموده و ارائه می‌دهد. همچنین طیف گسترده‌ای از مسائل مربوط به این حوزه را بررسی می‌کند. از جمله: اقتصاد، تکنولوژی، شیوه‌های ساخت، ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، سیستم‌های اعتقادی و...	Paul Oliver 2006
خانه، فرهنگ، طبیعت	این کتاب، مقوله خانه را پیش از سال ۱۳۰۰ و پس از سال ۱۳۴۰ در ایران بررسی می‌کند. حوزه‌های بیان شده در کتاب به این قرار است: روش‌شناسی شناخت خانه‌های تاریخی و معاصر، ادبیات خانه، شیوه‌ی زندگی و سازمان فضایی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر، گونه‌شناسی معماری خانه‌های تاریخی، گونه‌شناسی سازمان فضایی خانه‌های معاصر.	محمدرضا حائری، ۱۳۸۷
فرهنگ و مسکن	نویسنده در این پژوهش تلاش کرده است تا به بررسی چستی و چگونگی تاثیر فرهنگ بر محیط انسانی و تجزیه و تحلیل مفهوم آن بپردازد.	شهرام پوردیهمی، ۱۳۹۰
رابطه فرهنگ و معماری (با بررسی موزه هنرهای معاصر تهران)	پژوهش به دنبال بررسی اشتراکات معماری و فرهنگ در موزه هنرهای معاصر تهران بوده است به برخی از مفاهیم اصیل فرهنگ و معماری سنتی ایران می‌پردازد که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر طراحی موزه‌ی هنرهای معاصر مؤثر بوده است به گونه‌ای که این مفاهیم با کانسپت‌های شکل‌گیری بنا همپوشانی دارد.	کوروش مومنی، زهره مسعودی ۱۳۹۵
خانه‌های تاریخی سنندج، خوانش کالبد از دریچه فرهنگ	در این پژوهش به بررسی تاثیر ویژگی‌های کلی شهر بر خانه‌ها و قیاس بین کالبد خانه‌ها و تطابق فرهنگ و زیست و معماری خانه‌ها پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشانگر این است که اصلی‌ترین ویژگی‌های خانه‌ها در سنندج، نحوه ارتباط با طبیعت، توجه به منظر بیرونی، حفظ حریمیت، مرتبه‌بندی در فضاها و تاثیرپذیری از خانه‌های دیوانی می‌باشد.	آزاده آقالطیفی، وحید کلیائی، ۱۳۹۶
Architecture without architects	در نمایشگاه و کتابی با این عنوان، به تفصیل درباره معماری گمنام و بومی پرداخته شده است. بسیاری معتقدند که این مساله نقطه‌ی عطفی در آغاز تحقیقات در زمینه معماری بومی است.	Bernard Rudofsky 1964
Encyclopedia of vernacular architecture of the world	این کتاب معماری بومی یا سنتی بیشتر جهان را در بر می‌گیرد. تنوع چشمگیر بناهای ساخته شده و ساکنان بیش از هزار فرهنگ را که در آنها زندگی می‌کنند ارائه می‌دهد. از آنجایی که سنت‌های ساخت در برخی کشورها بسیار متفاوت است و از مرزهای سیاسی کشورهای دیگر فراتر می‌رود، معماری بومی را در زمینه‌های فرهنگی خود در نظر گرفته است تا زمینه‌های ملی.	Paul Oliver 1997

Moffett, Marian Fazio, Michael Lawrence Wodehouse (2003)	کتاب راهنمایی جامع و مصور برای تاریخ جهانی معماری است و دانشی عمیق‌تر و چشم انداز وسیع تری از سنت های معماری در سراسر جهان از دوران پیش از تاریخ تا ساختارهای مدرن را ارائه می‌دهد.	World history of architecture
آدریانو آلفاگونولو و دیگران، ۱۳۸۴	کتاب در تلاش برای معرفی و شناخت معماری بومی در یک بستر جهانی است.	معماری بومی
وحید فبادیان، ۱۳۷۷	نیمه اول کتاب به پهنه‌بندی‌های مختلف اقلیمی و معماری هرکدام از این مناطق می‌پردازد. نیمه دوم در باب کاربری‌های مختلف در معماری سنتی ایران است.	بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران
آرتور پوپ، ۱۳۸۲	گونه‌های مختلف معماری ایران از قدیم‌ترین ایام تا پایان دوره صفویه و با این عناوین معرفی شده است: "از نخستین تمدن‌ها تا سقوط هخامنشیان"، "سلوکیان، اشکانیان، ساسانیان: بازنمایی شکل‌های ایرانی"، "آغاز عصر اسلامی، هدف‌های نو"، "سلجوقیان: ساختمان، مظهر زیبایی"، "مفهوم و کارکرد تزئینات ایرانی"، "مغول: ویرانی و عظمت"، "تیموریان: پالایش و فراوانی"، "اوج صفویه" و "گزیده‌ای از شکل‌ها و مسائل ساختمانی".	معماری ایران
اکبر حاجی ابرهیم زرگر، ۱۳۸۶	نویسنده پس از بیان ضرورت طرح مسئله معماری روستایی، به ارتباط محکم و بلاواسطه معماری بومی و فرهنگ اشاره می‌کند. همچنین به تنوع سیمای کالبدی روستاهای ایران و دلایل این تنوع و رابطه‌ی تنگاتنگ روستاییان و عوامل محیطی و طبیعی و بهره برداری از آنها در ساختمان‌سازی اشاره نموده است. از دیگر مسائلی که در این کتاب بررسی شده است، عوامل سیاسی اجتماعی و اقتصادی‌ای است که به قشر بندی اجتماعی و بافت و ساختار خانواده و ... تاثیرگذار بوده است.	درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران
محمد کریم پیرنیا، ۱۳۸۷	از مهم‌ترین کتاب‌ها در حوزه معماری است. معماری ایران را به ۶ شیوه در مجموع به ۲ دسته قبل از اسلام و ۴ دسته بعد از اسلام تقسیم کرده است.	سبک شناسی معماری ایرانی
محسن سرتیپی پور ۱۳۸۸	مؤلف در این کتاب به بررسی آسیب‌شناسی معماری روستایی در ایران پرداخته و مباحثی چون کالبد روستاهای ایران معاصر، بافت، مسکن، سیما و منظر روستا، بهداشت، مصالح، و زمین، طبیعت و جغرافیا، اقلیم، مصالح بومی و طبقه‌بندی اقلیمی روستا، ویژگی‌های جامعه‌شناختی روستا را مطرح می‌کند.	آسیب‌شناسی معماری روستایی به سوی سکونتگاه مطلوب
هاشم هاشم نژاد، صلاح الدین مولایی، ۱۳۸۷	در این مقاله به بررسی معماری اصیل منطقه و ساختار معماری روستاهای آن در بخش مسکن پرداخته شده است. مهم ترین عوامل موثر در شکل گیری مسکن روستایی را شکل شناسی زمین و بافت آن، اقتصاد معیشتی و شرایط شغلی، عوامل اقلیمی و وضعیت اجتماعی-فرهنگی می‌داند.	معماری با نگاهی به آسمان- سکونتگاه‌های روستایی ساختاری ویژه در معماری روستایی زاگراس (منطقه کردستان)
هوشمند علیزاده، سیروان لاهورپور، ۱۳۸۷	به بررسی و معرفی ویژگی های تاریخی معرف شخصیت فضایی کالبدی بافت مرکزی شهر سهندج پرداخته و اذعان دارد که ساختار اصلی شهر از مفهوم شهر-قلعه منتج شده و ساختار کلی و عناصر اصلی شهر را بنیان گذاران از قبل تعریف نموده‌اند. به بیان دیگر شهر را با مفهوم (طراحی شده) در نظر گرفت.	شخصیت فضایی - کالبدی هسته تاریخی شهر سهندج
ناهید صادق پی، ۱۳۹۱	نویسنده در این مقاله به بررسی تاریخی علل توجه و گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای در حال توسعه و اسلامی، و ایران پرداخته است.	تاریخچه و علل گرایش به معماری بومی در غرب، کشورهای اسلامی و ایران

بازشناخت مؤلفه‌های هویت اصیل معماری بومی ایرانی در غرب کشور، نمونه موردی: اورامان کردستان	در این مقاله ویژگی‌های خاص معماری ایران در کردستان و ناحیه اورامان، و تأثیر اصول و ارزش‌های اسلامی در شکل‌گیری و هویت معماری اورامان بررسی شده است. ایشان بیان می‌دارند که در کنار شاخص‌های ساختاری و ویژگی‌های اقلیمی و تاریخی، بسیاری از ارزش‌ها و اصول معماری اسلامی نظیر حریمیت، درونگرایی و خودبستگی به همراه اصول و ارزش‌های دینی، در ساختار معماری اورامان و ایجاد هویتی شاخص، متجلی شده است	صلاح الدین مولانایی، سارا سلیمانی، ۱۳۹۱
جایگاه الگوهای معماری پایدار در معماری بومی روستایی (مطالعه‌ی موردی: روستای هلسم)	با توجه به اینکه اصول معماری پایدار در بسیاری از بناهای بومی و سنتی ایران، به طور نسبی رعایت شده است؛ در این پژوهش نیز به بررسی بناهای بومی روستای هلسم پرداخته و بیان می‌دارد که بافت و ساختمان‌های روستا براساس اقلیم شکل گرفته و ویژگی‌های آن‌ها را می‌توان نمونه‌هایی از اصول معماری پایدار در معماری بومی روستایی قلمداد کرد.	مسعود رضایی، بهزاد وثیق، ابراهیم مرادی، ۱۳۹۳
جستاری بر عوامل شکل‌دهنده معماری بومی منازل روستایی مطالعه موردی: روستاهای کوهستانی استان ایلام، کرمانشاه و کردستان	در این مقاله به شناخت، بررسی و تحلیل عناصری چون بافت، وضعیت معابر، جهت‌گیری بنا، مصالح مصرفی در بناها، قطر دیوارها، فضای اتاق‌ها، ایوان و حیاط، بام و فضای خدماتی طولیه معماری بومی استان‌های ایلام، کرمانشاه و کردستان پرداخته است و بیان می‌دارد که ابنیه روستایی این منطقه ضمن بهره‌گیری از اصول معماری ایرانی، در اثر انطباق با محیط و عوامل اقلیمی شکل گرفته‌اند.	مسعود رضایی، وحید کهزادیان، ۱۳۹۵
گونه‌شناسی کالبدی ذهنی مسکن بومی مناطق غرب کردستان بر بنیاد نگره تاریخی تکاملی (مدرسه موراتوری)	این پژوهش کوششی است برای شناخت و گونه‌شناسی مسکن بومی مناطق غرب کردستان. هدف اصلی آن نیز شناخت عناصر و مفاهیم این گونه‌ها است، آنگونه که کاربرد این مفاهیم در کنار نیازهای جدید ساکنان الهام بخش معماران و طراحان منطقه در ساخت‌های روستایی و شهری باشد. نتیجه این پژوهش چهار گونه معماری در مقیاس بنا را در این سکونتگاه‌ها نشان می‌دهد.	محمد دانا سالم، فرامرز حسن پور، امید دژدار، ۱۳۹۷

جدول ۲- برخی کتب و طرح‌های پژوهشی فارسی در حوزه معماری بومی کرد و غرب ایران

عنوان	خلاصه موضوع	نویسنده و تاریخ نشر
سیر تحول ساختار فضایی- کالبدی بافت قدیم شهر سنندج با تأکید بر فضاها و الگوهای معماری باارزش	این پژوهش کوششی در راستای ارائه راهکارهایی جهت هماهنگی و هم‌نوایی بافت قدیم شهر با نیازهای دنیای معاصر و تبیین معیارهایی با توجه به ارزش‌های فرهنگی و هویت جهت ساخت و سازهای پیرامونی بوده است.	مهرداد یوسف زمانی، صلاح الدین مولانایی، هوشمند علیزاده، منصور بنفشی، ۱۳۸۲
طرح پژوهشی شناخت الگوهای مسکن روستایی استان کردستان	این پژوهش در راستای بهبود وضعیت مسکن بومی روستاها که الگوهای شهری جایگزین الگوهای روستایی، عامل از بین رفتن الگوهای بومی بوده است صورت پذیرفته که با بررسی الگوهای وضع موجود به استخراج الگوهای بومی و پیشنهادی جهت حل مشکل مسکن روستایی پرداخته شده است.	هوشمند علیزاده، ۱۳۸۶

در این کتاب علاوه بر مباحثی در حوزه معماری پایدار، عناصر معماری سنتی ایران در همگونی با معماری پایدار، همچنین معماری بومی و روند پایداری در آن و الگوهای پایداری در معماری بومی غرب ایران مورد بررسی واقع شده است.	واکاوی معماری پایدار در معماری بومی روستایی اقلیم سرد و کوهستانی ایران	در مسعود رضایی، بهزاد وثیق، ۱۳۹۳
--	--	----------------------------------

مسیر ساختار تحقیق بعد از بررسی سوابق و مستندات موجود لازم است نقشه راه مشخص شده و بر مبنای آن مطالعات دسته بندی و تدوین گردد. این پژوهش در صدد شناسایی معماری بومی است لذا می بایست ابتدا بوم و بومی تعریف گردد تا بر مبنای این تعریف بتوان اطلاعات را دسته بندی و تحلیل نمود.

۲- روش تحقیق

با توجه به اینکه هدف معرفی معماری منطقه کردنشین ایران می باشد، می بایست فرهنگ، بوم و محیط به عنوان متغیرهای مستقل و ساختار فضایی و مولفه های اثرگذار بر آن را متغیرهای وابسته دانست. برای یافتن مختصات متغیرهای وابسته، حضور در محیط، زندگی با فرهنگ محل و ارتباط اجتماعی با کاربران مهمترین اثر را در تحلیل داده های فیزیکی خواهد داشت. پژوهش به صورت تحلیلی- توصیفی می باشد که نتایج آن کاربردی توصیفی می باشد. می دانیم که معماری در مقیاس سرپناه و مامن تابعی از مولفه های فیزیکی و محدودیت های اجرایی است اما این پژوهش با سؤالاتی در ذهن پژوهشگران آغاز شد که مسیر آن را از فرضیه پردازی مجزا نمود. شدت اثر پاسخها بر مبنای دستیابی به اهداف مد نظر قرار گرفت. لذا فرضیه محور بودن پژوهش عملاً امکان پذیر نمی باشد. سؤالات مطرح شده به شرح زیر می باشند:

۱- عوامل اصلی موثر بر الگوی معماری بومی کردها در بستر فرهنگی اقلیمی کردستان کدام است؟

۲- ساختار حاکم بر عوامل اصلی و فرعی مذکور کدام است؟

۳- شدت تاثیر عوامل در شکل گیری الگوی معماری بومی کردها در بستر فرهنگی کردستان به چه اندازه است؟

با توجه به اینکه هدف معرفی معماری منطقه کردنشین ایران می باشد، می بایست فرهنگ، بوم و محیط به عنوان متغیرهای مستقل و ساختار فضایی و مولفه های اثرگذار بر آن را متغیرهای وابسته دانست. برای یافتن مختصات متغیرهای وابسته، حضور در محیط، زندگی با فرهنگ محل و ارتباط اجتماعی با کاربران مهمترین اثر را در تحلیل داده های فیزیکی خواهد داشت. مصاحبه های خبرگان با افراد جامعه، پرسشنامه های فردی هستند که بصورت انتخابی با خبرگان انجام خواهد شد. در مرحله بعد مولفه های اثرگذار یعنی متغیرهای وابسته استخراج شده و با معیارهای کمی همچون ویژگی های اقلیمی، نوع مصالح و ... و نیز معیارهای کیفی همچون پاسخگویی به نیازهای اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته و میزان اثر و اولویت اثرگذاری هریک آزمایش خواهد شد.

۳- تعریف بوم

معنای بوم در "فرهنگ فارسی معین" چنین تعریف شده است: سرزمین، ناحیه، زمین شیار نکرده، جا، مقام، سرشت، طبیعت، پارچه قاب گرفته ای که روی آن نقاشی کنند، زمینه پارچه زردوزی شده. همچنین در لغت نامه دهخدا معنای بوم بدین صورت است: زمین غیرآبادان و ناکاشته، زمین شیار نکرده و ناکاشته، مقابل مرز... سرشت و طبیعت، در فرهنگ به معنی سرشت و خو گفته، مستند به شعر سعدی: "شنیدم که مردیست پاکیزه بوم". (لغتنامه دهخدا) بومی نیز، منسوب به بوم، اهل محل، اهل ناحیه، محلی (فرهنگ فارسی معین) و منسوب به شهر و بلاد (لغتنامه دهخدا) تعریف شده است. همچنین در سایر لغتنامه ها واژه ی بومی (vernacular) به محلی و استفاده شده توسط مردم اشاره دارد.

واژه بوم، بار مکانی دارد و محدوده مشخص شده‌ای از مکان را که دارای مرزی معین است، شامل می‌شود. دیگر واژه نزدیک به آن، محل و محلی هم همین بار مکانی را دارد. این واژه نیز محدوده خاصی از مکان را دربر می‌گیرد که دارای شرایط محیطی و اقلیمی به خصوصی است (صادق‌پی، ۱۳۸۸: ۱۰).

واژه‌ی «بومی» از دیدگاه انسان‌شناسی اشاره به جوامع ابتدایی دارد که واجد حد معینی از توسعه‌ی فنی و اقتصادی می‌باشند. در این جوامع، مردم از شناخت کلی و سطحی نسبت به همه امور برخوردار هستند و همه‌ی جنبه‌های زندگی در آن جامعه با هم ارتباط دارند (Redfield, 1941:45). بنابراین به نظر می‌رسد هر اتفاقی که در یک محدوده فیزیکی و جغرافیایی رخ می‌دهد می‌تواند یک اتفاق بومی باشد به شرط اینکه توسط عوامل محیطی و محلی آن جغرافیا روی دهد اما این جمله یک تعریف بشمار نمی‌آید چرا که نیاز به توضیح و تشریح دارد. گفته شد که؛ هر اتفاقی که در زمان و مکان خاص روی دهد و در طول زمان تداوم پیدا کند تبدیل به سنت می‌شود هر چند در لحظه اولیه وقوع یک بدعت و نوآوری بوده باشد. با این توصیف رنگی از کهنگی یا حداقل ریشه‌های گذشته در سنت پدیدار می‌شود. حتی اگر نحوه بروز اتفاق جدید باشد، ساختار کلی تشکیل دهنده آن از گذشته می‌آید. تفاوت سنت و بومی در دو نکته ظریف است: اولاً، بومی می‌باید بدیع باشد یعنی در همان لحظه وقوع اتفاق تنها می‌توان نام بومی را بر اتفاق بگذارید در حالی که در صورت تداوم آن می‌تواند در زمره سنتی قرار گیرد. دوماً، می‌بایست توسط عوامل اصیل آن جغرافیا اتفاق بیافتد تا بتواند بومی باشد. هر اتفاق بومی می‌تواند روزی به سنت یا سنتی تبدیل شود، به شرط آنکه مولفه‌های سنت در آن پدیدار شود. این موضوع بیانگر گنجایش سنت در مفهوم بوم می‌باشد. بوم مفهومی پویا و سنت مفهومی ثابت و راکد در زمان را با خود یدک می‌کشند و برای یافتن مولفه‌های سنتی می‌بایست به دنبال اتفاقاتی رفت که می‌توانند در هر اجتماعی رخ بدهند. اما در ارتباط با مولفه‌های بوم بایستی به سراغ آن دسته از اتفاقات رفت که چه در زمان حال و چه در گذشته در محدوده مکان بگنجند. چه به لحاظ مفهوم و معنی زبان شناختی و بار معنایی ادبی، چه به لحاظ بار روانی کلمه بوم، نمی‌توان اتفاق خارجی را در محیط، بومی نامید. لذا اصلی‌ترین مولفه بومی بودن به محیط و جغرافیا بستگی دارد که به طور کلی در حوزه معماری از آن‌ها تحت عنوان «اقلیم» نیز می‌توان یاد کرد. دیگر عامل موثر بر بومی بودن یک اتفاق بدیع و بی بدیل بودن آن در محیطی دیگر است.

۳-۱- محیطی

محیطی بودن اتفاق بومی در دو جنبه قابل بررسی است، اول اتفاق افتادن موضوع بطور کامل در داخل جغرافیای مورد بحث باشد. یعنی محدوده قابل شناسایی برای تاثیر اتفاق قابل اندازه‌گیری باشد. چه به دلیل وسعت این اتفاقات محدوده‌هایی را به عنوان محیط واحد معرفی کنیم، چه در محدوده‌ی از پیش شناسایی شده اتفاق مورد بررسی قرار بگیرد. جنبه دوم عواملی هستند که باعث اتفاق بومی می‌شوند، آن عوامل می‌بایست منحصر به آن منطقه باشند، اعم از عامل انسانی یا طبیعی. برای مثال ساخت یک سازه جدید به شرطی بومی یک ناحیه شناسایی می‌شود که در آن محل حادث شود. ثانیاً توسط مصالح آن محل و فاعل یا سازنده محلی اتفاق بیافتد. به عبارت دیگر اتفاقی درون جوش باشد و تابع هیچ عامل خارج از محدوده جغرافیایی نباشد.

۳-۲- بدیع

اتفاقات زیادی در دنیا رخ می‌دهند که فاعل آنها یا بدون علم و سهوی به آن اقدام دست زده است یا در اثر یک اتفاق طبیعی شکل گرفته‌اند. مثلاً به وجود آمدن یک غار در دل کوه یا خراش برداشتن یک تخته سنگ. این گونه اتفاقات

در زمره هنر و آثار انسانی قرار نمی‌گیرند، بلکه آنچه در قالب بومی دسته‌بندی می‌شود اتفاقاتی هستند که خلق شده‌اند و مشابه طبیعی ندارند یا نهایتاً در طبیعت الگویی دارند.

۴- معماری بومی

این شیوه معماری به طور سنتی به فرم‌هایی اطلاق می‌شود که بر اساس نیازهای ساکنین یک منطقه و محدودیت‌های محل و اقلیم شکل گرفته است (اوکتای، ۱۳۸۶: ۲۲). این معماری که در ظاهر یک شکل و یکنواخت و حتی یکسان به نظر می‌رسد، در نگاهی عمیق‌تر معماری غنی، متنوع و فردگرا دیده می‌شود بدون انکار هم شکلی قوی و عمومی موجود در معماری بومی، این امکان را به وجود آورده که در مقیاسی کوچک‌تر، سلیقه‌های مختلف فردی در مورد ظریف‌کاری‌ها، آراستگی‌ها و هنرهای وابسته به معماری بومی بروز نمایند (صادق پی، ۱۳۸۰: ۲۸). معماری بومی متشکل از خانه‌ها و دیگر ساختمان‌های مردم که مرتبط با زمینه زیست محیطی و منابع در دسترس آن‌ها می‌باشد و عمدتاً با استفاده از فناوری سنتی توسط مالک آن یا جامعه ساخته شده است (Oliver, 2006: 30).

اولین نامی که برای این پدیده معماری نهاده شد «معماری خودجوش» به معنای طبیعی بودن و به ابداع «پاگونا» بوده است (آلپاگونوولو، ۱۳۸۴: ۲۵). امروزه با هر کس درباره معماری بومی سخن به میان آوریم به ورق زدن دفتری می‌پردازد که سخن‌ها و شکل‌هایی از گذشته در آن نوشته آمده و منقوش‌اند. در نتیجه، همه به معماری بومی - به هر بخش از هر سرزمینی که تعلق داشته - به عنوان میراثی از گذشته‌ها می‌نگرند؛ و حتی این شک را به خود راه نمی‌دهند که آنان نیز، همین امروز هم، می‌توانند زاینده معماری‌ای باشند حاوی آن رشته از زیبایی‌ها و جاذبه‌ها و ترنم‌ها که این عنوان به خاطر می‌آورد (فلامکی، ۱۳۸۴: ۱۱). پس در ابتدای امر بایستی به تعریف بعضی از اندیشمندان حوزه معماری در ارتباط با معماری بومی پرداخته شود تا تعریفی جامع از معماری بومی که مقصود اصلی این پژوهش است ارائه گردد.

جدول ۳- تعریف معماری بومی از دیدگاه اندیشمندان حوزه معماری

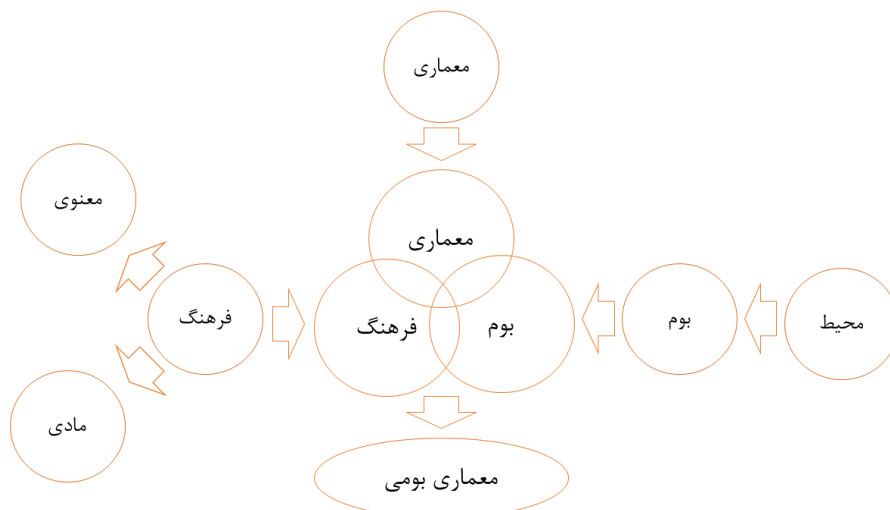
اندیشمند	تعریف معماری بومی	کلمات کلیدی
الیور (۱۹۹۷)	پاسخگو به نیازهای اساسی انسان. در تعامل با بستر محیط طبیعی خود. واحدهای معماری در هماهنگی با هم.	۱- نیازهای انسان ۲- محیط طبیعی ۳- هماهنگی واحدها
مهریار ۱۳۸۰	می‌توان معماری بومی را هموار کردن طبیعت برای پاسخگویی به نیازهای مکانی دانست که با انتخاب و استفاده از مقررات هر سرزمین پدید آمده است.	۱- محیط طبیعی ۲- نیازهای جامعه ۳- انتخاب فرهنگی
فلامکی (۱۳۸۴)	هماهنگی بناها در شکل، حجم، رنگ و مصالح. جوابگویی به نیازهای جامعه در ارتباط با عوامل طبیعی و خواسته‌های معنوی. با مشارکت ساکنان. بدون سبک و مدلی خاص. امکان ساخت آن در حال حاضر و آینده.	۱- هماهنگی بناها ۲- نیازهای جامعه ۳- مشارکت مردم ۴- بدون سبک و فرم
فتحی (۱۳۸۲)	در ظاهر، بناها یک شکل، یکنواخت و یکسان ولی عمیق‌تر: غنی، متنوع و فردگرا. امکان بروز سلیقه‌های فردی. حاصل انتخاب فرهنگی مردم در ارتباط با بستر.	۱- در ظاهر بناها یکسان و عمیق ۲- بروز سلیقه فردی ۳- انتخاب فرهنگی ۴- مشارکت مردم
راپاپورت (۱۹۶۹)	معماری ساده تر و مردمی تر. جوابگوی نیازهای عامه مردم. معماری بدون دخالت معماران و هنرمندان. به جای تسلط بر طبیعت سعی در ایجاد تعادل با آن.	۱- معماری عامه و مردمی ۲- در تعادل با طبیعت نه تسلط بر آن
آلپاگونوولو (۱۳۸۴)	بی‌نشان بودن سازندگان آن. تأکید بر ارزش مطلق فضایی، ترکیب بندی آزاد و بدون تقارن و رعایت چشم انداز. عدم تفکیک میان سازنده و مصرف کننده.	۱- ترکیب بندی آزاد ۲- چشم انداز ۳- با مشارکت و ساخت مردم

پرهیزگار ۱۳۸۲	معماری بومی شکل پیشرفته‌ای از نوع مردمی است و در ارتباط آب و هوا، فرهنگ ۱- معماری عامه و مردمی و مصالح ساختمانی آن منطقه خاص، شکل می‌گیرد. ۲- در تعادل با طبیعت نه تسلط بر آن
------------------	--

معماری بومی از یک فرهنگ مشخص محلی سخن می‌گوید. فرهنگی که به دست مردم همان محل شکل می‌گیرد؛ رشد می‌کند و در رویدادهای سخت نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ اما به وسیله همان مردم با فرهنگ بومی سازگاری می‌یابد (معماریان، ۱۳۸۶: ۱۸۲). به عبارتی دیگر معماری بومی معماری است که از درون جوامع رشد می‌کند و طی زمان خود را با شرایط اجتماعی، اقلیمی و فناوری سازگار می‌سازد و تکامل می‌یابد و با ارزش‌ها، اقتصاد و شیوه زندگی فرهنگ‌هایی که مولد آن‌ها هستند سازگار می‌باشند (دلفانیان، خاک زند، کامیابی، ۱۳۹۵: ۷۰). به طور خلاصه معماری بومی، معماری مردم و معماری توسط مردم و نه برای مردم است (Nourmohammadi, 2009:29). معماری بومی به طور خاص، به آنچه که از سرشت و طبیعت انسان و محیط برآمده است و توسط خود مردم برپا می‌شود نسبت داده شده است (دلفانیان و دیگران، ۱۳۹۵: ۷۰). معماران چیزی خلق نمی‌کنند، آنان واقعیت را بازآفرینی می‌کنند (Pallasma, 1996:5). بنابراین می‌توان گفت معماری بومی برگرفته از فرهنگ و سنت یک جامعه است که در طول زمان و بر اساس تجربیات مردمان شکل گرفته اند.



شکل ۱- عوامل اصلی و طبیعی هر بوم



شکل ۲- عوامل تشکیل دهنده معماری بومی

۵- فرهنگ

بر اساس نظریه تایلور که در سال ۱۸۷۱ در کتاب « فرهنگ اولیه » ارائه گردیده است، فرهنگ عبارت است از: مجموعه علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و عقاید؛ اخلاقیات، مقررات و قوانین؛ آداب و رسوم و سایر آموخته‌ها و عاداتی که انسان به عنوان یک عضو از جامعه کسب می‌کند. (آشوری، ۱۳۸۱: ۷۵) اگر به جهان اطراف نگاهی بیندازیم، آمیزه‌های وسیعی از مردم مختلف را با آداب و رسوم و عقاید متفاوت می‌بینیم. این موضوع نکته آغازین حدیث جغرافیایی فرهنگی است که با چشم اندازهایی که گروه‌های متفاوت در مکان‌های مختلف به وجود می‌آورند ارتباط دارد (قرخانلو، ۱۳۱۷: ص ۵). فرهنگ را در تعریفی کلی می‌توان محصول تلاش‌های متفاوت انسان در راه خلق و آفرینش دانست که از آزادی عمل و اراده او سرچشمه می‌گیرد. گرایش اساسی کمال طلبی پایه ریز شالوده فرهنگ‌ها است (علی محمدی و عبدالهی، ۱۳۹۷: ۳۵). به طور کلی‌تر از نظر جامعه شناسان و مردم شناسان، فرهنگ شامل تمامی چیزهایی است که فرد به عنوان یک عضو از جامعه کسب می‌کند، یعنی همه عادات و اعمالی که فرد از راه تجربه و سنت آموخته است به انضمام تمام اشیاء مادی که توسط گروه، تولید می‌شود و آنچه را که می‌تواند در آثار هنری و مطالعات علمی متجلی دید، به علاوه در آنچه می‌خوریم، می‌آشامیم و می‌پوشیم، در انواع خانه‌هایی که بنا می‌کنیم، در روابطمان با اعضاء خانواده خود و با سایر افراد جامعه، در نظام ارزشی جامعه، در آنچه می‌آموزیم، در تصورمان از خوب و بد، در آرزوهایمان، در نظرگاهمان نسبت به جوامع و در بسیاری چیزهای دیگر تجلیات فرهنگ مشهود است (دانش پژوه، ۱۳۸۱: ۶۹). فرهنگ به عنوان یک مفهوم پویا همیشه تحت تأثیر عوامل مختلف بوده است و عناصر سازنده آن مانند زبان، جهان بینی، دین، سنت، باورها، ارزش‌ها، تابوها، هنر، علم و فن آوری، تاریخ و میراث، روایت‌ها و افسانه‌ها، هنجارها و قوانین، نمادها، عادات رفتاری و سبک زندگی به دلیل وجود عوامل مختلف در حال تغییر مداوم هستند. در طول تاریخ، فرهنگ به شکل‌گیری زیستگاه‌های انسانی کمک کرده است، و فرهنگ آن جوامع با گذشت زمان دچار تغییرات زیادی شده است (Habib & Khastoo, 2014:17). چنین ادعایی نشانگر آن است که تمامی مولفه‌های سنت علاوه بر استقلال نسبی قابل گنجایش در مفهوم فرهنگ بوده و تأثیر متقابلی را بر یکدیگر می‌گذارند. بنابراین فرهنگ را در تعریفی کلی می‌توان ماحصل تلاش‌های انسانی در راه خلق و آفرینش دانست که سرمنشأ آن تفکرات آزادانه و قدرت اراده وی می‌باشد. چه بسا که شالوده فرهنگ، گرایش اساسی انسان به بزرگی و کمال مطلق است و از آن جایی که انسان مدام در پی کمال طلبی و کمال جویی است لذا فرهنگ نیز مفهومی پویا به خود می‌گیرد و علاوه بر تاثیرگذاری، بی شک تأثیرپذیر نیز می‌باشد.

۶- تأثیر فرهنگ و اقلیم بر معماری بومی

با توجه به گستردگی مباحث فرهنگی و تنوع حوزه‌های نفوذ آن در معماری، محققین مختلف با توجه به نوع دیدگاه خود در خصوص فرهنگ و معماری و همچنین نوع نیازی که احساس کرده‌اند، به شیوه‌های متفاوتی سعی در ایجاد ارتباط میان این دو مقوله مهم نموده‌اند. همین امر سبب شده تا برخی پژوهشگرانی که قصد ورود به این حیطه از تحقیقات را دارند در استفاده از پژوهش‌های پیشین خود با سردرگمی مواجه شوند. بنابراین بررسی چگونگی توجه به ارتباط میان فرهنگ و معماری در پژوهش‌های مربوطه ضروری به نظر می‌رسد (مظفر و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۹). عوامل فرهنگ، اعتقادات اسلامی و وضعیت اجتماعی مردم، تفاوت‌های بنیادین و اساسی در الگوهای معماری منطقه به وجود آورده و در نهایت منجر به شکل‌گیری این نوع از معماری شده است (سلیمانی - مولانایی ۱۳۹۵). یکی از دلایل مهم و نه نیروهای فیزیکی، بیشترین نقش را در پیدایش فرم خانه دارند. هرچه موانع فیزیکی شدیدتر و تکنیک و تسلط بر امکانات محدودتر باشد، جنبه‌های غیرمادی کمتر می‌توانند موثر واقع شوند. با این وجود هرگز بی‌تأثیر نمی‌شوند (راپاپورت، ۱۳۹۱: ۹۰).

تحقیق به روش آمیخته اکتشافی انجام شده است، در این نوع طرح، پژوهشگر درصدد زمینه‌یابی درباره «موقعیت نامعین» می‌باشد. برای این منظور ابتدا به گردآوری داده‌های کیفی می‌پردازد. انجام این مرحله او را به توصیف جنبه‌های بیشماری از پدیده هدایت می‌کند. با استفاده از این شناسایی اولیه، امکان صورت بندی فرضیه‌هایی درباره بروز پدیده مورد مطالعه فراهم می‌شود. پس از آن در مرحله بعدی، پژوهشگر می‌تواند از طریق گردآوری داده‌های کمی، فرضیه‌ها را مورد آزمون قرار دهد. در این طرح‌ها معمولاً از طریق پژوهش کیفی به تدوین یک ابزار اندازه‌گیری پرداخته می‌شود. یعنی ابتدا با گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی به تعیین جنبه‌های اصلی پدیده مورد بررسی پرداخته می‌شود. این جنبه‌ها به عنوان ابعاد مورد نظر برای تدوین ابزار گردآوری داده‌ها منظور می‌شود. بنابراین در این نوع تحقیق به داده‌های کیفی اهمیت بیشتری داده می‌شود. در این روش پژوهش، ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری و تحلیل می‌شود. بنابراین ابتدا پدیده موشکافی و سپس برای تعیین روابط داده‌های کیفی از داده‌های کمی استفاده و ابعاد و مولفه‌های تشکیل دهنده پدیده احصاء می‌شود. در واقع در این طرح پژوهشی، پژوهشگر با گوش دادن به آزمودنی‌ها ابعاد را مشخص می‌کند نه از طریق ابزار از قبل تعیین شده. عیب این طرح آن است که هم حجم و هم زمان گردآوری آن زیاد است. برای رسیدن به این مرحله می‌بایست از روش‌ها و تکنیک‌های مختلفی یاری جست، یکی از مهم‌ترین این راهبردها تکنیک‌های کیفی می‌باشد. از آنجایی که تکنیک‌های کیفی و کمی از روابط بین پدیده‌ها حاصل می‌شوند، می‌توان ارزیابی منطقی و دقیقی از ویژگی‌ها و روابط بین پدیده‌ها ارائه نماید. بدین منظور در این تحقیق سعی شده است با استناد به این موضوع و در راستای استفاده از این روابط منطقی در مطالعات انسانی از این روابط و قوانین هر دو استفاده نموده و با استفاده از تحلیل‌های کیفی (روش گرند تئوری) سعی شده است تا موضوع پژوهش یعنی تعیین مولفه‌های تأثیرگذار بر معماری بومی کردها در بستر فرهنگی-اقلیمی کردستان ایران تحلیل گردد.

۷- شناسایی معیارها و زیرمعیارهای نهائی

جهت انتخاب منابع مناسب روال به این ترتیب طی شد که ابتدا کلید واژه الگوی معماری بومی در هریک از پایگاه‌ها جستجو شد اما با توجه به اینکه این واژه، واژه‌ای کلی و اغلب منابع یافت شده شامل مباحثی نامرتبط با موضوع مورد نظر این تحقیق بودند، بنابراین این به واژه مرکب استراتژی الگوی معماری بومی محدود شده، واژه جامعه شناختی الگوی معماری بومی نیز به هنگام جستجوی منابع در پایگاه‌ها مدنظر قرار گرفت. جهت جستجوی منابع در پایگاه‌های داخلی علاوه بر واژه استراتژی الگوی معماری بومی، راهبرد الگوی معماری بومی به عنوان مترادف آن نیز مورد کاوش قرار گرفته است. لازم به ذکر است که تعداد کل مقالات یافت شده با در نظر گرفتن معیارهای ورودی، ۲۰۸ مطالعه (فارسی و انگلیسی) می‌باشد که پس از بررسی تمامی آنها و در نظر گرفتن معیارهای خروجی از منظر معیار محتوا و یا عدم دسترسی نهایتاً نتایج استخراج شده از ۹۳ مطالعه (۸۶ پژوهش انگلیسی و ۷ پژوهش فارسی) مورد بازبررسی و تحلیل قرار گرفت. در ادامه معیارهای ورود و خروج مناسب به منظور یافتن مطالعات جامع مرتبط با موضوع پژوهش جهت بررسی آنها، مطابق با جدول (۴) در این تحقیق در نظر گرفته شده است. برای تعیین وزن معیارها و شاخص‌های مدل از تکنیک تحلیل شبکه (AHP) استفاده شده است. الگوی سلسله‌مراتبی مدل با استفاده از تکنیک (AHP) ترسیم شده است. همچنین معیارها و زیرمعیارهای تحقیق با اندیس عددی نامگذاری شده‌اند تا در جریان تحقیق به سادگی قابل ردیابی و مطالعه باشد.

جدول ۴- معیارها و زیرمعیارها نهائی تصمیم گیری

نماد	معیار	زیر معیار	نماد
S11	اقلیمی و بومی	الگوهای استقرار	C1
S12		طبیعت گرایی	
S13		زمینه گرایی	
S14		عوامل اقتصادی	
S15		اقتباس مبدایی از معماری بومی	
S16		اقتباس الگویی از معماری بومی	
S21	فرهنگی	ارزش ها	C2
S22		هنجارها	
S23		موقعیت زمانی	
S24		تکنولوژی	
S31	کهن الگو	پایداری	C3
S32		تبعیت نکردن از یک هندسه خاص	
S33		نشانه ها و نمادها	
S34		حفظ وحدت عناصر با مکان و کیهان در عین کثرت گرایی	
S35		توجه به پایداری فرم	
S41	عوامل اجتماعی	ارتباطات	C4
S42		طبقه بندی اجتماعی	
S43		مردم گرایی	
S44		تغییرات اجتماعی	

۸- یافته‌های تحقیق

۸-۱- تاثیر مولفه‌های فرهنگی در شکل‌گیری نظم کالبدی (جایگشت توده و فضا)

همان گونه که پیشتر عنوان شد، فرهنگ واژه‌ای عام است که می‌تواند زیر مولفه‌های زیادی را در خود داشته باشد. مولفه‌هایی که هم بر ساخت فرهنگ اثرگذار هستند هم از آن اثرپذیر هستند. بحث علوم انسانی به خودی خود پیچیدگی‌های خاص، غیر قطعی و غیر قابل پیش بینی دارد و در مطالعه معماری به دلیل ارتباط تنگاتنگ حضور انسان با فضا بر پیچیدگی‌های آن افزوده می‌شود. رویکردهای جامعه شناسانه، روانشناسانه و رفتارشناسانه در مطالعه معماری

عمر زیادی ندارند، هرچند همیشه بصورت عمیق بر آن اثرگذار بوده‌اند اما تحلیل و بررسی علمی دقیقی نشده‌اند. هر چند مطالعات ارزشمند آموس راپاپورت، نوربرگ شولتز، ایروین آلتمن و ... کمک بزرگی به نزدیک کردن دو علم انسان‌شناسی و معماری کرده‌اند اما هنوز عدم قطعیت در علوم انسانی بر شناسایی کامل فضاهای معماری سایه افکنده است. مطالعات انجام گرفته در بخش دوم رساله کمک کرد تا این نتیجه حاصل شود که سه مولفه مهم فرهنگ که به نظر بیشترین تاثیر را بر ساختار فضا دارند مورد بررسی قرار گیرند. این مولفه‌ها را می‌توان در دین، مذهب و به طور کلی اعتقادات جمعی ناشی از جهان بینی، صنایع، فنون و نحوه بهره‌گیری از آن و ارتباط اجتماعی چه درون جامعه مورد مطالعه چه با جوامع دیگر دسته‌بندی کرد. در بررسی تاثیر مولفه‌های فرهنگی موارد زیر در سه مقیاس کلان، میانه و خرد مورد بررسی قرار گرفتند.

۸-۱-۱- تاثیرگذاری فرهنگ در شکل‌گیری نظم کالبدی در مقیاس کلان (ساخت و بافت)

در مقیاس کلان، انطباق شکل با بستر و زمینه، ساخت فضایی و مورفولوژی زمین و شکل بافت مورد توجه قرار گرفته است. مصالح بوم آورد و نحوه برخورد با آنها در ارتباط با بستر مورد مطالعه اهمیت بسزایی دارد. برای مثال روستاهای پالنگان و اورامان تخت از بافت‌های شناخته شده با معماری سنگی بدون ملات (خشکه‌چین) هستند. سازه‌هایی چشم نواز از کوه در کنار کوه با تراش‌هایی استادانه از سنگ‌هایی مقاوم برآمده از دل محیط. توجه ویژه به بناهای مذهبی و بکارگیری بالاترین تکنولوژی ساخت جهت ایجاد فضایی بزرگ و جمعی مانند مساجد شهری و روستایی از این گونه مثالها هستند. شکل (۳) تصویر آرامگاه پیر شالیار در اورامان تخت است، نحوه تراش سنگ و دقت اجرای سنگ خشکه چین در مقایسه با تصویر یک خانه معمولی، شکل (۴) اهمیت این بنا را نمایش می‌دهد. بخش مهمی از فضاهای جمعی در کردستان میدانگاه‌ها و فضاهای باز شهری یا روستایی هستند. فضایی که در کنار آرامگاه پیرشالیار ایجاد شده کم اهمیت‌تر از بنای آرامگاه نیست.



شکل ۳- اجرای خشک چین سنگ - آرامگاه پیر شالیار - اورامان تخت



شکل ۴- اجرای خشک چین سنگ - خانه های اورامان تخت

این فضاها و خدمات جانبی آنها صرفاً به وسیله محیط محدود شده است. خدمات شبانه‌روزی به کاربران فضاهایی مثل خانقاه، مسجد و ... از بارزهای توجه به اعتقادات در کردستان است. نشانه گذاری و تشخیص ابنیه چنین فضاهایی در بافت مشهود است. در شکل (۵) بنای مسجد علی رغم تشابه کلی با بافت اطراف از دور مشخص است.



شکل ۵- دید کلان- نمای مسجد اورامان تخت

۸-۱-۲- تاثیر فرهنگ در شکل‌گیری نظم کالبدی در مقیاس میانی (واحد زیستی و محله)

در مقیاس میانی، ارتفاع بندی ابنیه، چیدمان توده و فضا، نظم بستر و شکل‌گیری بافت مورد توجه قرار گرفته است. ساختارهای اجتماعی و دینی در منطقه کردستان چه به شکل نمادین چه عملی، پر رنگ و قابل مشاهده هستند. هر بیننده غیر آشنایی می‌تواند از روی ابعاد بناها، شکل، فرم و نوع مصالح هم به لحاظ کمیت هم کیفیت اجرا، حدس بزند که یک بنا به چه فضایی با ارزش اجتماعی تعلق دارد. در برخی موارد، افراط سازندگان جهت تقویت نمادین فضای مذهبی از مولفه‌های بومی و مصالح محلی هم عدول کرده‌اند. در بیشتر مناطق کردنشین به دلیل داشتن کوهها و پستی

و بلندی‌های طبیعی، مناره در قالب راهنما و نشانه جایگاه خاصی ندارد اما در برخی از شهرها و حتی روستاها مناره‌ای نمادین در کنار مسجد مشاهده می‌شود.

۸-۱-۳- تأثیر فرهنگ در شکل‌گیری نظم کالبدی در مقیاس خرد (مسکن و همسایگی)

در مقیاس خرد، جهت‌گیری، پکت حجمی و الگوی فضا‌بندی مورد توجه قرار گرفت. تکنولوژی و صنایع نشان‌ها و بروزهای زیادی دارند. برخی از بافت‌های کوهستانی زاگرس به دلیل کمبود درخت برای پوشش بام تخت، می‌بایست بصورت قوسدار یا گنبدی اجرا می‌شدند اما با توجه به بافت کلی و امکان توسعه سطوح قابل استفاده در واحدهای همسایگی، ایجاد بامهای تخت با قابلیت تحمل بار زیاد را الزامی کرده است. به عبارت ساده تر سبک زندگی و اقلیم از صنعت برای تغییر شکل مصالح بومی تأثیر گرفته است. یکی از زیباترین صحنه‌هایی که در تصاویر عکاسان از مردم کردستان دیده می‌شود، تصویر ردیفه‌ایی از کودکان و زنان با لباسهای رنگارنگ بر لبه بامها در حال تماشای مراسم‌های جمعی است. مشابه این تصویر از ردیفه‌ای داف نوازان در جشنواره "هزار داف" پالنگان جلوه نمادین بیشتری دارد. شکل (۶) از جشنواره هزار داف سال ۱۴۰۲ است که توسط خبرگزاری ایلنا منتشر شده است.



شکل ۶- جشنواره هزار داف- پالنگان (خبرگزاری ایلنا، ۱۴۰۲)

۸-۲- تأثیر مؤلفه‌های فرهنگی در شکل‌گیری سازمان فعالیت (الگوی فعالیت و رفتار)

در بخشهایی از روستاها و محلاتی از شهرهای کردستان روزهای زمستان را بین خانه‌های محله یا روستا تقسیم می‌کردند. از یک سوی محله یا روستا چله (از ابتدای شب چله یا یلدا تا دهم بهمن) وارد می‌شد و از سوی دیگر محله خارج می‌شد. بهانه‌ای برای دید و بازدید (هر شب تعدادی از اهل محل به دیدار صاحب شب می‌رفتند)، موضوعیت فرهنگ جمعی و مشارکت در گذار از سرمای زمستان به عنوان یکی از معضلات زیستی منطقه کردستان یکی از مفاهیم زیبای فرهنگ همزیستی در این جغرافیا را به نمایش می‌گذارد.

۸-۲-۱- تأثیر فرهنگ در شکل‌گیری سازمان فعالیت (ساخت و بافت)

در مقیاس کلان، منطقه بندی کلی، اجتماع پذیری فضاها، عمومی، همگرایی و واگرایی فعالیتها مورد بررسی قرار گرفته است. روابط اجتماعی و مناسبات فرهنگی ناشی از اعتقادات جهان بینی در همگرایی گروهی و در نتیجه زون بندی ساختارهای شهری اثرگذار است. در بیشتر شهرهای کردستان محلاتی به نام آرامنه وجود دارد. که ضمن احترام به

باورهای این مردمان از اختلاط فرهنگی و اجتماعی با آنها پرهیز شده است. طوایف بزرگ ساختارهای بزرگ شهری ایجاد می‌کنند که مانند شهری در دل شهر، نوعی واگرایی کلان را شکل می‌دهند. محله‌منگورها در مهاباد شهری در دل شهر ایجاد کرده که هرچند همگرایی جمعیتی در آن موج می‌زند اما شهر را به دو گروه تقسیم کرده است. در برخی روستاها تفاوت زبان، مذهب و اعتقاد، واگرایی کلی و همگرایی جزئی ایجاد کرده است. روستای کلب رضاخان در نزدیکی میان‌دوآب دو گروه مسلمان و یهودی را تا قبل از کوچ یهودیان به فلسطین در کنار هم داشت. شیعه و سنی در شهر قروه، ترک و کرد در ارومیه، خوی، ماکو، نقده و بیجار و ... در محلاتی مشخص و ساختارهایی مجزا کنار هم زندگی می‌کنند. هر چند واژه واگرایی بار معنایی منفی با خود دارد، اما در مثالهای فوق واگرایی کلان باعث شده ضمن انسجام کلی بافت‌ها نوعی ساختار قدرتمند فراتر از جزئیات خاص فرهنگی بر شکل‌دهی شهر حاکم باشد. همچنان که گفته شد، هیچ کدام از مولفه‌های مورد مطالعه به تنهایی نمی‌تواند شکل دهنده اصلی فرم سکونتگاه باشد.

۸-۲-۲- تاثیر فرهنگ در شکل‌گیری سازمان فعالیتی در مقیاس میانی (واحد زیستی و محله)

در مقیاس میانی، حضور پذیری، الگوی فعالیت، تنظیم کاربری زمین و حریم بندی مورد توجه قرار گرفته است. آنچه در مقیاس کلان باعث واگرایی شده بود واحدهای همسایگی مشابه را در کنار یکدیگر و جدا از زون‌های دیگر قرار داده بود. لذا واحدهای همسایگی همگرا را تشکیل می‌دهد که ناشی از هماهنگی اعتقادی و روابط اجتماعی است. هرچند بافت محله‌منگورها در شهر مهاباد منفک از شهر شده است و به ندرت کسی جرات دارد در این محله قدم بزند اما ساختار اجتماعی مشابه آنها انسجام محله را به اندازه‌ای قوی کرده است که عموم ساکنان آن احساس آرامش و امنیت دارند. این احساس‌ها منجر به ساختارهای معماری می‌شوند. خانوار جدیدی که از چنین محله‌ای برمی‌آید تمایل ندارد تا در محله جدیدی زندگی کند. این ماندگاری در مکان باعث تراکم جمعیتی و در نتیجه تراکم بافت می‌شود. در مواردی ساکنین مجبور به تغییر کاربری فضا از فعالیت‌های جمعی به مسکونی می‌شوند و این خود بر ساختار اجتماعی زون مورد اشاره اثر خواهد گذاشت. همگرایی بیش از حد می‌تواند به ناامنی و درگیری‌های رفتاری بیانجامد. میزان جدال‌های خیابانی در محله‌منگورها به حدی افزایش پیدا کرده است که گاهی به خارج از محله هم کشیده می‌شود. می‌توان مشاهده کرد که در گذر زمان خانواده‌هایی از منگورها که از ابتدا در میان مردم شهر زندگی می‌کردند، از ارزش اجتماعی بالاتری برخوردار هستند تا آنهایی که در محله تقریباً ایزوله شده سکونت دارند.

۸-۲-۳- تاثیر فرهنگ در شکل‌گیری سازمان فعالیتی در مقیاس خرد (مسکن و همسایگی)

در مقیاس خرد، حریم، روابط عملکردی، فضا و تامین شرایط حضور مورد توجه قرار گرفته است. اعتقادات مذهبی در مقیاس خرد کم رنگ‌تر می‌شوند و روابط اجتماعی اثرگذاری قوی‌تری دارند. "در خلاصه‌ترین مفهوم محتمل فرق نمی‌کند، انسان چقدر در گیر تلاش‌های روزانه باشد، در هر حالت برای او غیر ممکن است که از فرهنگ خودش محروم گردد. فرهنگ در اعماق سیستم عصبی او نفوذ کرده و تعیین کننده نحوه ادراک او از جهان است. بیشتر قسمت‌های فرهنگ پنهان بوده و خارج از توان کنترل ارادی است و تار و پود وجود انسانی را تشکیل می‌دهد. حتی زمانی که بخش‌های کوچکی از فرهنگ به سطح بالاتری از آگاهی و شعور می‌رسند، دیگر تغییر دادن آنها کار مشکلی است. نه تنها به دلیل اینکه این درک آنها جنبه شخصی پیدا می‌کند بلکه به این دلیل که مردم نمی‌توانند از هیچ راه معنی‌داری غیر از فرهنگ، عملکرد یا واکنشی از خود در برابر دیگران نشان دهند" (ادوارد تی هال، ۱۳۸۴: ۲۲۲). حریم‌ها در واحد همسایگی و در خانه‌ها متفاوت با مقیاس کلان شهری هستند. در بسیاری از روستاهای کردستان داشتن روسری برای خانم‌ها حتی در حضور محارم، امری اجباری و نشانه احترام تلقی می‌شود و ارتباط‌ها در واحد همسایگی هم با همان مقدار از حجاب مجاز شمرده می‌شود. یعنی مراتب محرمیت در کردستان مشابه دیگر نقاط ایران نیست که میزان آن در حضور غریبه بیشتر و در خانه کمتر شود. حد متوسطی از حجاب در کل ساختار جامعه برقرار شده و اعتبار یافته

است. پوشش رنگارنگ در این منطقه تا حد زیادی به تلطیف میزان پوشش کمک کرده است. شکل (۷) تصویری از یک مراسم عروسی در روستاهای کردستان را نمایش می‌دهد که از نظر میزان پوشیدگی و حجاب تفاوتی با یک روز عادی در خانه خصوصی ندارد. تنها جلوه‌های رنگی و آراستگی لباس‌ها بیشتر شده است. لذا میزان و نوع حضور مردم در فضاهای عمومی متفاوت با دیگر نقاط ایران است. یکی از دلایلی که اجازه می‌دهد خانه‌های کردستان برون‌گرا باشند و پنجره و بالکن رو به معبر داشته باشند همین نوع حضور و فعالیت کاربران در فضا است.



شکل ۷- حجاب رایج در قالب لباس محلی کردستان- تنوع رنگ ها جایگزین تنوع شکلی شده است.

۸-۳- تأثیر مولفه‌های فرهنگی در شکل‌گیری سازمان منظر و سیمای بصری (ادراک عینی و ذهنی)

در محدوده نمایش بصری هر منطقه، نمی‌توان به جرات گفت که مولفه‌های شکل دهنده محیط بر سیما و منظر آن هم اثر گذار بوده‌اند. چرا که کارکردها همیشه وجه غالب بافتها هستند. اما می‌توان گفت حاصل کار هر چه هست، نماینده عوامل محیطی است. در اینجا شاید فرهنگ بطور مستقیم منظر را نمی‌سازد اما منظر نهایی ایجاد شده بیانگر تمامی فرهنگ آن منطقه است.

۸-۳-۱- تأثیر فرهنگ در شکل‌گیری سازمان منظر و سیمای بصری در مقیاس کلان (ساخت و بافت)

در مقیاس کلان، سواد شهر، چشم انداز و منظرآرایی مورد توجه قرار گرفته است. همانطور که قبلا هم بیان شد، منظر شهر از دو دیدگاه بررسی شده است. از دید ناظر خارج از بافت، نشانه‌ها و نمادهای مذهبی، اعتقادی، فرهنگی، طبیعی و گاهی صنعتی می‌توانند سواد شهری را تقویت کنند. برای مثال برای شهر مهاباد مهم‌تر از نمادهای مذهبی و اعتقادی سد روی رودخانه مهاباد در قالب یک نشانه صنعتی برای یک قرن گذشته نشانه اصلی در سواد شهری و منظر کلی شهر است. همچنین سبک استفاده از تکنولوژی و زون‌بندی‌های شهر ساختار کلی بافت را به نمایش می‌گذارد. در یک اثرگذاری جامع، مولفه‌های فرهنگی بیان شده می‌توانند ناظر را در شناخت کلی و سواد شهری هدایت نماید. معماری روی سنگ و استفاده از شیب در پاوه و جوانرود در نگاه اول، خودنمایی می‌کند. زون مرکزی و نزدیک به بازار شهر در سنندج و کرمانشاه دسته‌بندی اجتماعی شهر را نمایش می‌دهد. تراکم جمعیتی که در حاشیه رود یرغو مهاباد دیده می‌شود ساختار اجتماعی شکل گرفته در نوع عملکرد فضا را به رخ می‌کشد. نمی‌توان در مورد تأثیر فرهنگ و

اجزای آن بر ساختار بافت مسکونی صحبت کرد و اثرگذاری خانقاهها در روستاهای کردستان را نادیده گرفت. روستاهایی مانند برهان در نزدیکی غار سهولان مهاباد یا روستای خانقاه در نزدیکی شهر بوکان که حول محور مجموعه عبادی شکل گرفته است. این خانقاه ابتدا در خارج از بافت روستای حاجی کند بنا شده بود و تجمع حول موضوع اعتقادی به مرور روستای جدیدی را با نام و هویت خانقاه شکل داده است.

۸-۳-۲-تاثیر فرهنگ در شکل‌گیری سازمان منظر و سیمای بصری در مقیاس میانی (واحد زیستی و محله)

در مقیاس میانی، کریدورهای بصری، سیمای زمین و منظر خیابانی مورد توجه قرار گرفته است. "ساختمانها سیمایی از الگوهای ثابت هستند اما همین ساختمانها به صورت‌های ویژه‌ای با هم تلفیق شده و از داخل بر اساس طرح‌های فرهنگی معینی تقسیم‌بندی می‌شوند. طرح روستاها، شهرک‌ها، شهرها و مداخله در حومه اتفاقی و تصادفی نبوده بلکه از طرحی که نسبت به زمان و فرهنگ متغیر است پیروی می‌کنند" (ادوارد.ت، هال، ۱۳۸۴:۱۲۴). کریدورهای بصری زیباترین وجه شهر هستند که در مقیاس زندگی شهر و رفتار عمومی شهروندان به نمایش گذاشته می‌شود. نشستن در کوچه‌ها، دید زدن از پنجره‌های رو به معبر و تردد عابرین در پس کوچه‌ها نشان از رفتارهای اجتماعی در مقیاس میانه دارد. در این کریدورها میزان درونگرایی و برونگرایی معماری و سطح تکنولوژی تک بناها قابل مشاهده است. در حقیقت منظر خیابانی همان طور که در ابتدای این فصل گفته شد به وسیله تک بناها و نوع کنار هم قرار گرفتن آنها شکل می‌گیرد. نوع تعامل خانه‌ها و خدمات شهری با یکدیگر و شکل حرکت در معابر بر زاویه دید و در نهایت تصویر ذهنی که در بیننده ایجاد می‌کند اثرگذار است. در معماری این مناطق هم مانند دیگر نقاط ایران خیابان‌کشی و مسیرسازی صرفاً بر اساس دسترسی از مرکز شهر به حاشیه و در امتداد معابر ارگانیک می‌باشد لذا کمتر آدرس قابل دیدی در مسیرها وجود دارد. نشانه‌گذاری برخی بناها در بافت می‌تواند آدرس‌سازی برای یافتن مسیرها باشد. بطور کلی فرهنگ مردم منظره اصلی بافت را می‌سازد. یعنی آنچه می‌توان دید، مردم، رفتارها و اثرات این رفتارهاست که در بناها و جداره‌های شهر خودنمایی می‌کند.

۸-۳-۳-تاثیر فرهنگ در شکل‌گیری سازمان منظر و سیمای بصری در مقیاس خرد (مسکن و همسایگی)

در مقیاس خرد، مصالح، عناصر، اجزا و شکل کلی مورد بررسی قرار گرفته است. داشتن نوع خاصی از درختان در حیاط خانه، نصب نشانه‌های مذهبی در سردر خانه‌ها و باز بودن درب منازل در بیشتر طول روز در یک جمله تمام ویژگیهای معماری کردستان در مقیاس خرد را نمایش می‌دهد. اعتقاد به خوش یمنی بعضی از میوه‌ها و درختان و به اشتراک گذاشتن آنها با همسایه‌ها، بیشتر از اینکه در حیطه اقلیم و طبیعت بگنجد در روابط اجتماعی و نظام اعتقادی مردم جای دارد. کاشتن انجیر، توت و انگور در بیشتر نقاط کردستان اعتقادی و باورمندانه است. هر بخش از درختان میوه وارد حریم همسایه می‌شود به او تعلق دارد. شاید اشتراک‌گذاری میوه یا درخت از نظر ارزش مالی چندان مهم نباشد اما واحد همسایگی و نوع تعامل در این همسایگی‌ها را نمایش می‌دهد. این مهم زمانی خود نمایی می‌کند و به عنوان ارزش شناخته می‌شود که با موقعیت مشابه در مناطق دیگر مقایسه شود. چیدن میوه درخت، برگ مو و حتی رسیدگی به این درختان مستلزم همکاری دو همسایه و گاهی استفاده از حریم یکدیگر است. به این ترتیب می‌توان فهمید که درهم تنیدگی حریم‌ها در کردستان منجر به ایجاد سیمای بصری خاصی در هر خانه می‌شود. شکل (۸) برخی از درختان میوه و موقعیت آنها نسبت به حریم خانه و معبر را نشان می‌دهد.



شکل ۸- منظر خرد و حضور درختان میوه در حیاط خانه

شناخت هویت اصیل در معماری مناطق مختلف ایران یکی از مهمترین راهکارهای برون رفت از بحران هویت می‌باشد. معماری منطقه غرب ایران به ویژه نواحی روستایی و مناطقی که همچنان ساختار اولیه و اصالت خود را حفظ نموده‌اند، ناشناخته مانده و تحقیقات انجام شده ساختار غنی بافت معماری و شهرسازی این نواحی را نشان می‌دهد. معماری این اقلیم با مولفه‌هایی که شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با معماری مناطق مرکزی و کویری ایران دارد؛ از شاخص‌های متنوع و منحصر به فرد برخوردار می‌باشد. عوامل فرهنگ، اعتقادات اسلامی و وضعیت اجتماعی مردم، تفاوت‌های بنیادین و اساسی در الگوهای معماری منطقه به وجود آورده و در نهایت منجر به شکل‌گیری این نوع از معماری شده است. تکامل ساختار زندگی اجتماعی از دیگر ویژگی‌هایی است که در تار و پود این معماری و زندگی ساکنان آن مشاهده می‌شود. یک نظام معماری مرتبط با نوع زندگی به هم پیوسته مردم در این منطقه به وجود آمده است.

۹- بحث و نتیجه‌گیری

۹-۱- نتایج نشان می‌دهد که مولفه‌های اقلیمی در مقیاس کلان با اختلاف نسبت به فرهنگ، موثرترین عوامل شکل دهنده معماری بومی کردستان هستند. هرچند برخی نمونه‌های موردی مانند پالنگان برای رد این ادعا وجود دارد اما در مجموع شیب زمین و شرایط دسترسی به امکانات محیطی شکل کلی بافت را می‌سازند. در تایید این ادعا می‌توان به برخی پژوهش‌های انجام شده مرتبط با موضوع در محیط یاد شده اشاره نمود. صلاح‌الدین مولانایی (۲۰۰۷) در یک پژوهش موردی دسته‌بندی روستاهای کردستان را بر مبنای توپوگرافی و جهت‌گذاری بافت انجام داده و بر اهمیت آن تاکید داشته است. همچنین هوشمند علیزاده (۲۰۰۸) معتقد است که روستاهای دهستان اورامان از یک جهت یا شیب خاص تبعیت نموده و عوامل فرهنگی و معنوی در شکل‌گیری آنها موثر نیستند. سارا سلیمانی (۲۰۱۳) اینگونه نوشته است که تداوم استفاده از الگوهای پذیرفته شده موجب شده است

۲-۹- که معماری بومی دارای شکل، بافت، حجم و مصالح منطقی سازگار با اقلیم و شرایط جوی باشد. وحید قبادیان هم در کتاب بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران (۱۳۷۷) اذعان دارد که بر مبنای اتلاف انرژی و شکل توپوگرافی می‌توان سه گونه بافت مسکونی در مناطق سرد و کوهستانی شناسایی نمود. نتایج همترازی هر دو مولفه اقلیم و فرهنگ بر شکل‌گیری معماری بومی کردها در مقیاس میانه را نشان داده است. به عبارت دیگر حد وسطی از باورها و اعتقادات جمعی و محیط در واحدهای همسایگی دیده می‌شود. با توجه به میزان حضور انسان در محیط در این مقیاس انتظار چنین نتیجه‌ای دور از باور نیست. مولانایی و سلیمانی (۱۳۹۵) نیز بر این باور هستند که علی‌رغم جهت غالب شیب و توپوگرافی، تلاش شده است تا حد امکان جهت‌گیری اصلی بافت روستاها به سمت قبله بوده و این ارزش معنوی به نحوی در ساخت منازل خود را نشان داده است. توجه به دید و منظر مناسب و روی نمودن به جبهه‌ای که دارای تنوع بصری زیبایی است هم مشاهده می‌شود. مسجد و استقرار بخش مهمی از فضاهای عمومی پیرامون مسجد، یکی از ارکان اصلی شکل‌گیری ساختار کلی این مناطق را تشکیل می‌دهد.

ساختمان‌های روستایی این مناطق با توجه به شرایط و ویژگی‌های محیطی و بدون هیچ‌گونه تقلیدی ساخته شده‌اند (زیاری، ۱۳۸۹) و به علت رعایت اصول و معیارهای اقلیمی در برابر عوامل نامساعد جوی عملکرد خوبی داشته‌اند و به طور طبیعی ساکنان را از شرایط آب و هوایی سرد و گرم حفظ نموده‌اند (اسپانی، ۱۳۸۳). بر خلاف مناطق کویری که بیشتر روستاها کاه‌گلی و درونگرا هستند (پیرنیا، ۱۳۸۲)، در مناطق کوهستانی شاهد روستاهای سنگی و برونگرا هستیم. این موضوع، معلول اقلیم‌های متفاوت می‌باشد (آتشین بار، ۱۳۸۸). برونگرایی که آتشین بار به آن اشاره دارد بیشتر بر جنبه‌های انسانی و جامعه‌شناختی بافت توجه دارد. البته بیشتر متون مرتبط به بافتهای میانه در مورد روستاها بودند چرا که مطالعات در مورد یک محله شهری کمتر انجام یافته و از سویی مقیاس یک واحد همسایگی شهری هم از نظر روابط انسانی هم روابط فضایی مشابهت زیادی با روستا دارد. اصولاً به دلیل نوع دسترسی‌ها و تامین امنیت روستاهای کردستان کم جمعیت نیستند. ۳-۹- در مقیاس خرد و درون تک بناها، نمودار بیانگر بار ارزشی بیشتر برای مفاهیم معنوی و انسانی است. غیر از نظم طبیعت متأثر از نگرش انسانی به محیط است دیگر شاخصه‌های اقلیم نزدیک به صفر هستند. روابط درون خانواده، اعتقادات مذهبی و خرافات روزمره بر ساختار فضایی و سبک زندگی اثر بیشتری به نسبت محیط دارند. راپاپورت (۲۰۰۵) معتقد است که "راه حل‌های محلی به وضوح با فرهنگ و منطق اجتماعی مرتبط است". فقط راپاپورت نیست که به این موضوع بار ارزشی می‌دهد، برای طراحی محیط مطلوب لازم است الگوهای اجتماعی و فرهنگی را دریافت. برای نمونه چاه آب مکانی است که جامعه را به شدت متحد می‌کند زیرا اینجاست که مردم هر روز یکدیگر را ملاقات می‌کنند، مشکلات را در میان گذارده، با همدردی به آرامش رسیده و احساس امنیت اجتماعی می‌کنند (Doshi 1985). همچنین غلامحسین معاریان اینگونه تایید می‌کند که، طبیعت در وهله نخست و سپس استاید معمار و محیط فرهنگی اطلاعات مربوط به ساخت را به ضمیر ناخودآگاه معمار انتقال می‌دادند و او با بهره‌گیری از آن‌ها اقدام به ساختن می‌نمود (معاریان ۱۳۸۴).

نمونه‌های مشابه در تایید ادعاهای کلی کم نیست هرچند نظریات مخالف هم وجود دارد. در حالت کلی هیچ نظریه‌ای قطعیت ندارد و متناسب با مکان و زمان می‌تواند درجاتی از صحت و سقم را نمایش دهد. نتیجه نهایی و قابل لمس که از این پژوهش قابل بیان باشد این خواهد بود که، با کنار هم قرار دادن اطلاعات اولیه، تحلیل داده‌ها و تفسیر نهایی اطلاعات به دست آمده می‌توان اذعان کرد که هر چند امکان قرار دادن تمام معماری

کردستان در یک کتگوری واحد وجود ندارد، اما در یک میانگین قابل اتکایی مشترکاتی از مولفه‌های فیزیکی و انسان شناختی وجود دارد که تشابهی قابل قبول در منطقه کردستان ایران را معرفی نماید. مجموعه‌ای از اشتراکات محیطی و بستر زیستی به همراه عوامل فرهنگی و روابط اجتماعی، نوع خاصی از پاسخ‌گویی به نیاز سکونت را ایجاد کرده است که در دسته بندی‌های فوق به تفصیل اشاره شد. نتایج به دست آمده تا حد قابل قبولی به سوالات اولیه پژوهش پاسخ می‌دهد اما همچون یک نظریه علمی قطعیتی بر آنها متصور نیست. به این ترتیب پژوهش بر مبنای مشابهت فرهنگی توانست مجموعه‌ای از اشتراکات ساختاری در سبک زندگی، خانه سازی و شهرسازی مناطق کرد نشین ایران را دسته‌بندی نماید.

منابع

- ۱- آشوری، داریوش، ۱۳۸۱، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، نشر آگاه، تهران، ایران.
- ۲- آلیاگونولو، آدریانو، ۱۳۸۴، معماری بومی، ترجمه علیمحمد سادات افسری، تهران: نشر فضا.
- ۳- پوپ، آرتور، ۱۳۸۲، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: نشر اختران.
- ۴- پوردیهمی، شهرام، ۱۳۹۰، فرهنگ و مسکن، فصلنامه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، ۱۸-۳.
- ۵- پیرنیا، محمدکریم، ۱۳۸۷، سبک شناسی معماری ایرانی، نشر سروش دانش.
- ۶- حاجی ابراهیم زرگر، اکبر، ۱۳۸۶، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۷- حائری، محمدرضا، ۱۳۸۷، خانه، فرهنگ، طبیعت: بررسی معماری خانه های تاریخی و معاصر، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- ۸- حبیبی، محسن، ۱۳۹۱، معماری مجتمع های مسکونی، معماری و فرهنگ، شماره ۵۱، ۳۸-۵۳.
- ۹- خادم زاده، محمد حسن، معماریان، غلامحسین، صلواتی، کامیار، ۱۳۹۶، گونه شناسی تحلیلی مساجد تاریخی حوزه فرهنگی کردستان ایران، مطالعات معماری ایران، شماره ۱۱، ۱۲۴-۱۰۳.
- ۱۰- عطایی همدانی، محمدرضا؛ شالی امینی، وحید؛ حمزه نژاد، مهدی؛ نوروز برازجانی، ویدا؛ ۱۳۹۶، بازخوانی حیاط خانه ایرانی بر اساس نظریه بوم شناسی فرهنگی، مدیریت شهر، شماره ۴۹، ۴۳۱-۴۵۱.
- ۱۱- علی محمدی، غلامرضا؛ عبدالهی، رکسانا، ۱۳۹۷، تبیین مبانی نمود فرهنگ در معماری بومی ایران و ارتباط آن با ایجاد حس تعلق به مکان، مدیریت شهر، شماره ۵۰، ۴۶-۳۳.
- ۱۲- علیزاده، هوشمند؛ لاهورپور، سیروان، ۱۳۸۷، شخصیت فضایی-کالبدی هسته تاریخی شهر سنندج، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۲، ۶۹-۵۷.
- ۱۳- فلامکی، محمد منصور، آدریانو آلیاگونولو، محمد مهریار، مصطفی ربوبی، مهیار دادخواه، ۱۳۸۴، معماری بومی، تهران: فضا.
- ۱۴- کریمی، ثریا؛ همزه‌ای، محمدرضا؛ رستمی، فرحناز، ۱۳۹۸، روند جهانی شدن فرهنگ و تأثیر آن بر معماری روستایی (مورد مطالعه: روستای گل تپه، استان کردستان)، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، شماره ۴، ۷۵۵-۷۳۷.
- ۱۵- گیدئون، زیگفرد، ۱۳۸۵، فضا زمان و معماری، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.
- ۱۶- مولانایی، صلاح الدین؛ سلیمانی، سارا، ۱۳۹۵، بازشناخت مؤلفه های هویت اصیل معماری بومی ایرانی در غرب کشور؛ نمونه موردی: اورامان کردستان، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۷، ۱۲۷-۱۱۵.
- ۱۷- نیک فطرت، مرتضی؛ بیطرف، احسان، ۱۳۹۵، بررسی تأثیرات فرهنگی در معماری بومی ایران از منظر پایدار، ماهنامه شباک(شبکه اطلاعات کنفرانس های کشور)، ۴(۴-۵)، مطالعات معماری و هنر، ۱۳۴-۱۲۶.
- ۱۸- هاشم نژاد، هاشم؛ مولانایی، صلاح الدین؛ ۱۳۸۷، معماری با نگاهی به آسمان، سکونتگاه های روستایی-ساختاری ویژه در معماری روستایی زاگرس(منطقه کردستان)، هنرهای زیبا، شماره ۳۶، ۲۶-۱۷.
- ۱۹- یوسف زمانی، مهرداد؛ مولانایی، صلاح الدین؛ علیزاده، هوشمند؛ بنفشی، منصور، ۱۳۸۲، طرح پژوهشی سیر تحول ساختار فضایی-کالبدی بافت قدیم شهر سنندج با تأکید بر فضاها و الگوهای معماری بالارزش، معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان، گروه معماری دانشگاه کردستان، سنندج.

20- Altman, I. Rapaport, A. Wohlwill, J.F, 1980, Environment and Culture. (4 of Human Behavior and Environment). New York: Plenum Press.

21- Alzoubi, H.H, Malkawi, A.T, 2019, A Comparative Study for the Traditional and Modern Houses in Terms of Thermal Comfort and Energy Consumption in Umm Qais City, Jordan, J.Ecol.Eng.20(5):14-22. <https://doi.org/10.12911/22998993/105324>

22- Asquith, L. Vellinga, M. 2006. Vernacular Architecture in the Twenty-First Century, Theory, Education and Practice. Taylor and Francis Group.

- 23- Dahham Naser, Z & Khan Mohammadi, 2021, Comparison Between Traditional and Modern Architectural Identity, American Journal of Engineering Research (AJER), 10(6), 42-49, www.ajer.org.
- 24- Hamarash, S, 2013, Who Are the Kurds? The history of the kurds and the origin of their language from the dawn of history till tenth century A.D, YPS publishing, London.
- 25- Horner, J, 1901, Daniel, Darius the Median, Cyrus the great: a chronologic-historical study: based on results of recent researches, and from sources Hebrew, Greek, cuneiform, etc., Joseph Horner, USA.
- 26- Lewis, G. C, 1862, an Historical Survey of the Astronomy of the ancients, Parker and Bourn, London.
- 27- Moffett, M. Fazio, M. Wodehouse, L. (2003), World history of architecture, McGraw-Hill Education.
- 28- Niebuhr, B, G, 1852, The Life and Letters of Barthod Georg Niebuhr Volume 3; with essay on His Character and Influence, Chapman and Hall, London.
- 29- Nourmohammadi, S. 2009. Understanding the Nature of Architectural Space by Contemplating the Similarity of Space in Indigenous Settlements, Dr Sci. Architecture, Faculty of Architecture, College of Fine Arts, Tehran University.
- 30- Oliver, P. 1986, Vernacular know-how, Material Culture, 18: 113-126.
- 31- Oliver, P. 1997, Encyclopedia of vernacular architecture of the world, Cambridge University Press.
- 32- Oliver, P. 2006, Built to meet needs (cultural issues in vernacular architecture), London: Routledge..
- 33- Rapaport, A. 1969, House, Form and Culture. Foundations of cultural geography series. Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- 34- Rapoport, A. 1969. House Form and Culture, United State of America: University of Wisconsin Milwaukee.
- 35- Rapoport, A. 1982, Urban design and human systems: On ways of relating buildings to urban fabric, in P. Laconte, J. Gibson and A. Rapoport (eds) Hhuman and Energy Factors in Urban Planning: A Systems Approach (NATO Advanced Institute Series, D: Behavioral Sciences12), The Hague: Nijhoff.
- 36- Rawlinson, George, 1865, the seven great monarchies of the ancient eastern aorld, Volume 3 John Murry, London.
- 37- Redfield, R. 1941, Peasant Society and Culture. Chicago: Chicago University Press.
- 38- Rudofsky, B. 1964, Architecture without architects, The Museum of Modern Art.
- 39- Strabo, 1856, the Geography of Strabo, Volume 2, H.G. Bohn, London.
- 40- Su, X., Li, X., & Kang, Y. 2019. A bibliometric analysis of research on intangible cultural heritage using CiteSpace. Sage Open, 9(2), 2158244019840119. <https://doi.org/10.1177/2158244019840119>
- 41- Tavernier, Jan, 2007, Iranica in the Achaemenid period (ca. 550-330 B.C.): lexicon of old Iranian, Peeters Publishers, Louvian (Belgium).
- 42- Taylor, A. 1994. The Wisdom of Many and The Wit of One, in W. Mieder and A. Dundes (eds) The Wisdom of Many: Essays on the Proverb, Madison: University of Wisconsin Press.
- 43- Tuan, Y.F. 1977, Space and Place: The Perspective of Experience, London: Edward Arnold.
- 44- Wang, Y, 2022, Comparative Study on the Effectiveness of Traditional and Modern Teaching Methods, A. Holl et al. (Eds.): ICHESS, ASSEHR 720, 270-277, https://doi.org/10.2991/978-2-494069-89-3_32.
- 45- Zbucha, A. 2022. Traditional Crafts. A Literature Review Focused on Sustainable Development. Culture. Society. Economy. Politics, 2(1), 10-27. <https://doi.org/10.2478/csep-2022-0002>